



به بهانه‌ی برگزاری بیست و هفتمین جشنواره‌ی فیلم فجر

## ... و این ده روز رؤیایی

محمدرضا لطفی

چند سالی می‌شود که با آغاز جشنواره‌ی فیلم فجر تشریاتی که با آن‌ها در این ایام همکاری می‌کنم به من سفارش نوشتن مطالبی پیرامون جشنواره می‌دهند و هر سال این کار برایم سخت‌تر از سال قبل می‌شود، چرا که سال‌هاست جشنواره‌ی فیلم فجر با تمام نقاط ضعف و قوت خود همان جشنواره است و با اندکی بالا و پایین و حذف یا اضافه شدن چند سیم‌رغ از یک قانون کلی تبعیت می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد و من هم برای آن‌که مطلبم با نوشته‌های قبلی‌ام تفاوت داشته باشد مجبورم هر بار از زاویه‌ی جدید به این موجود بیست و هفت‌ساله نگاه کنم. برای نگاشتن درباره‌ی جشنواره‌ی فجر چندین نکته را در ذهن آماده کرده بودم که هیچ کدام به دیگری ربطی نداشت و هر چه تلاش کردم نخ تسبیحی پیدا کنم که آن‌ها را به هم ربط بدهم باز هم فایده‌ی نداشت تا سرانجام تصمیم گرفتم که این نکات را با ذکر عدد بیان کنم. این مقدمه را عرض کردم تا بگویم این نکات به ظاهر هیچ ربطی به یکدیگر ندارند، اما در باطن حرف و سخنشان یکی است.

۱- این که در سال‌های اخیر جشنواره‌ی

فیلم فجر دیگر رنگ و بوی سابق را ندارد و مردم مانند دهه‌ی ۶۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۷۰ برای دیدن یک فیلم ساعت‌ها در آن سرمای طاقت‌فرسا مقابل سینما صف نمی‌کشند تا بلیت تهیه کنند و سینماها مانند ایام غیرجشنواره چندان رونق ندارد، بحثی است که در این چند ساله زیاد به گوش می‌رسد. دلیل موضوع خود مقاله‌ی طولانی را طلب می‌کنم، اما در نگاهی اجمالی به عناصر و عوامل مختلفی می‌رسیم که هر یک در نوع خود قابل تأمل است؛ از بی‌مایه شدن فیلم‌ها گرفته تا وفور سی‌دی و دی‌وی‌دی و شبکه‌های ماهواره‌ی، ولی به اعتقاد نگارنده یکی از دلایل اصلی این عدم رونق به رویکرد جامعه‌بازمی‌گردد. زمانی سینما یکی از مکان‌های گردهمایی جوانان و دانشجویان به حساب می‌آمد و این دسته به سینما می‌رفتند تا اثری را تماشا کنند و بعد از آن ساعت‌ها با هم به بحث بپردازند. برای مردم عادی هم اولین گزینه‌ی یک مکان تفریحی سینما بود، اما امروزه این مکان چه برای اقشار دانشجویی و چه عوام مردم به محلی دیگر انتقال یافته است و آن جایی نیست جز کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها! دیگر کمتر دانشجوی یا آدم عادی ترجیح می‌دهد در سینما وقت خود

را سپری کند و اگر دقت داشته باشید روز به روز سینماها خالی‌تر و کافه‌ها شلوغ‌تر می‌شوند.

۲- جشنواره‌ی سال گذشته از یک نظر یکی از خاطره‌انگیزترین جشنواره‌ها به حساب می‌آید و آن، افتتاح سینما آزادی پس از ۱۰ سال است؛ هرچند که سینما آزادی در طول ده روز جشنواره‌ی بیست‌وششم، کمبودهای بسیاری داشت و مشخص بود که یکی - دو ماه دیگر هنوز کار دارد اما قدم زدن در ایام جشنواره در این سینما حسی داشته که تا مدت‌ها تجربه‌ی آن از ذهن اهالی سینمادوست بیرون نخواهد رفت. امسال نیز مجتمع سینمایی ملت با معماری مدرن و شیک به جمع سینماهای کشور اضافه گردید و این حرکت، حرکتی بسیار مثبت و قابل تقدیر از سوی شهرداری به شمار می‌رود.

۳- مسئولان جشنواره‌ی بیست‌وششم برای اولین بار دست به ابتکار جالبی زدند که در نوع خود کم‌نظیر یا بهتر است بگویم بی‌نظیر بود و آن، جداسازی بخش بین‌الملل و مسابقه‌ی سینمای ایران به پنج روز اول و شش روز دوم بود که گویا مسئولان امسال هم این روند را در پیش خواهند گرفت. به هر ترتیب تجربه‌ی سال گذشته که عملاً

موفق نبود و نتیجه‌ی مطلوبی به همراه نداشت و همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد در پنج روز اول کم‌ترین میزان استقبال از جشنواره صورت گرفت و در واقع در شش روز پایانی موتور واقعی جشنواره به راه افتاد، اما با این وضع نمی‌دانم که چرا قرار است امسال هم این تجربه تکرار شود؟! هرچند که برای این کار دلایل زیادی را می‌توان عنوان داشت که شاید یکی از آنها تنظیم یک جدول دقیق برای نمایش فیلم‌های ایرانی بوده تا فیلم‌هایی که معمولاً در چند روز پایانی آماده‌ی نمایش می‌شوند، فرصت داشته باشند و جدول نمایش فیلم در سینماها دچار تغییر نشود، که اگر چنین باشد راهکار خوبی به حساب می‌آید، اما متأسفانه باز هم در سال گذشته شاهد این معضل بودیم که بسیاری از فیلم‌ها جابه‌جا شدند و در زمان خود به نمایش درنیامدند و از آن‌جایی که ما به مردمان دقیقه‌ی نود معروف هستیم تصور نمی‌کنم این راهکار، مؤثر به حساب آید.

۴- سینمای مطبوعات و رسانه‌ها همیشه یکی از معضلات برگزارکنندگان جشنواره‌ی فیلم فجر محسوب می‌شود؛ این‌که می‌گویم معضل به معنای خوب کلمه‌اش است، یعنی همیشه برای مسئولان این دغدغه وجود داشته تا سینمایی را به عنوان سینمای رسانه‌ها انتخاب کنند که هم ظرفیت و گنجایش لازم را داشته باشد و هم از امکانات کافی برخوردار باشد. از سوی دیگر در سال‌های اخیر داد تعدادی از منتقدان، به‌ویژه منتقدان قدیمی، بلند بود که مسئولان جشنواره در گزینش افراد خبرنگار دقت لازم را به خرج نمی‌دهند و بسیاری از افرادی که به سینمای مطبوعات می‌آیند، اصلاً واژه‌ی منتقد، روزنامه‌نگار یا خبرنگار به آن‌ها اطلاق نمی‌شود و این افراد شان منتقدان را زیر سؤال می‌برند. به هر ترتیب بحثی در خصوص درستی یا نادرستی این مسئله ندارم - هرچند که خود نیز تا حدی با این صحبت موافقم - اما موضوع اصلی آن‌جاست که امسال روابط عمومی بنیاد فآرابی رسماً اعلام کرد که در جشنواره‌ی بیست‌وهفت در مورد سینمای رسانه‌ها سختگیری می‌شود و تا خروجی نشریات و هویت منتقد متقاضی کارت مشخص نشود کارتی صادر نخواهد شد و تنها به افرادی



معتبرترین جشنواره‌ی  
سینمایی کشورمان  
بیست‌وهفت‌ساله شد. بیست و  
هفت سال عدد کوچکی به حساب  
نمی‌آید! قدری تأمل کنیم! آیا  
به‌واقع به اندازه‌ی بیست و هفت  
دوره پیشرفت کرده‌ایم

خود به تنهایی اعتبار یک جشنواره را صد چندان افزایش خواهد داد و امیدوارم که فیلم ایشان باری دیگر همچون نگینی بر سینه‌ی سینمای ایران جا خوش کند و علاقه‌مندان وی راضی شوند.

۶- آیا دیگر زمان آن فرا نرسیده است که در مورد فیلم‌های بخش بین‌الملل نگرشی تازه داشته باشیم؟ به‌راستی قصدمان از نمایش فیلم‌های درجه دوم و سوم اروپایی و آمریکایی چیست؟ مخاطب امروز دیگر مانند گذشته تشنه‌ی دیدن هر فیلم خارجی نیست، چرا که با پیشرفت فن‌آوری در عرض کم‌تر از یک ساعت قادر است هر فیلمی را که مایل باشد با بهترین کیفیت روی دی‌وی‌دی تهیه کند؛ پس چرا هنوز هم که هنوز است مانند ۱۵ سال پیش به این بخش نگاه می‌کنیم؟!

۷- هر ساله در جشنواره‌ی فیلم فجر بخش‌های مختلفی به جشنواره اضافه می‌شود که در یک نگاه کلان به این نتیجه می‌رسیم که این اضافه شدن‌ها هیچ خاصیتی برای جشنواره به همراه ندارد و فقط از بعد کمیت دهان پرکن است و چه‌بسا نتیجه‌ی معکوس دارد. به‌راستی دلیل این اضافه شدن‌های هر ساله چیست؟!

۸- معتبرترین جشنواره‌ی سینمایی کشورمان بیست‌وهفت‌ساله شد. بیست و هفت سال عدد کوچکی به حساب نمی‌آید! قدری تأمل کنیم! آیا به‌واقع به اندازه‌ی بیست و هفت دوره پیشرفت کرده‌ایم؟ ■

کارت داده خواهد شد که در این حوزه فعال باشند. در همین راستا حتی به تمام اعضای انجمن منتقدان اعلام گردید که مطالب چاپ شده‌ی مربوط به جشنواره‌ی بیست‌وششم و چند نمونه کار از سال ۱۳۸۷ را ارایه دهند تا با بررسی‌های لازم مشخص شود که فرد واجد دریافت کارت است یا خیر. گرچه این مسئله به مذاق اعضای انجمن زیاد خوش نیامد و بعضی‌ها آن را توهین تلقی کردند ولی به‌طور کلی این که با اجرای چنین طرحی به هر نشریه و خبرنگارنمایی کارت تعلق نگیرد و فقط به روزنامه‌نگاران و سینمایی‌نویسان حقیقی کارت داده شود نه تنها چیز بدی نیست، که اتفاقاً شهادت اجرایش خود جای قدردانی داشته و می‌تواند بدعتی را پایه‌گذاری کند - هرچند که در زمان نگارش این مقاله هنوز جشنواره‌ی فجر بیست‌وهفت آغاز به کار نکرده و نمی‌توان عنوان کرد که این طرح به خوبی انجام گرفته است یا خیر. با این حال ای کاش مسئولان این گزینش را به خانه‌ی سینما و صنف مربوط واگذار می‌کردند تا گلابی‌یی صورت نمی‌گرفت.

۵- یکی از نکات منفی جشنواره‌ی بیست‌وششم غیبت فیلمسازان بزرگ و کم بودن فیلم‌های محکم و به اصطلاح استخوان‌دار بود - به استثنای مجید مجیدی و سیدرضا میرکریمی - اما گویا امسال دیگر شاهد این معضل نخواهیم بود و حضور فیلمی از استاد «بیضایی»